

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۲۲ آینده در یوحنا

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا می‌باشد. این جلسه ۲۲، زندگی از دیدگاه آخرالزمان، آینده در انجیل یوحنا است.

در مطالعاتمان در مورد انجیل یوحنا، 20 ویدیو ارائه داده‌ایم که فصل به فصل انجیل یوحنا را بررسی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا جریان متن را دنبال کنند و در حین انجام این کار، موضوعات مهم مختلفی را مورد بحث قرار دهند.

ما همچنین در حال ارائه سخنرانی در مورد یوحنا ۱ و پیدایش ۱ هستیم و سعی می‌کنیم به این موضوع پردازیم که چگونه پروتولوژی، آموزه چیزهای اولیه، این دو کتاب را به هم مرتبط می‌کند و استدلال می‌کنیم که در یوحنا، برای تأیید اینکه عیسی خالق اصلی است، به پیدایش اشاره زیادی نمی‌شود، بلکه بر اساس این واقعیت که عیسی خالق اصلی است، تأیید می‌شود، علاوه بر این که او تجدیدکننده خلقت است. بنابراین ما در مورد مسئله منشأ در پرتو یوحنا ۱ و پیدایش ۱ صحبت کرده‌ایم. بنابراین در سخنرانی آخر خود در مورد یوحنا، قصد داریم مطالعه‌ای در مورد چگونگی ارائه آینده توسط یوحنا ارائه دهیم. ما آن را «زندگی آخرالزمانی» می‌نامیم، و روی اسلاید روی جلدمان شاید متوجه شده باشید که تصویری از یک تصویر آخرالزمانی بسیار قوی، اثر آلبرشت دورر، داریم، چیزی که حدود ۵۰۰ سال پیش کشیده شده است، و البته تصویری محبوب، چهار سوار آخرالزمان از فصل ۶ مکاشفه. از این نظر، این اغلب چیزی است که وقتی به آخرالزمان فکر می‌کنیم، به آن فکر می‌کنیم، به چیزهایی که در آینده اتفاق خواهند افتاد.

با این حال، در این مطالعه سعی خواهیم کرد تا نکته‌ی متمایز آخرالزمانی یوحنا را درک کنیم، که به نظر من آخرالزمانی کردن حال است، نه اینکه آینده را به عنوان چیزی با کیفیتی متفاوت از حال تصور کنیم. بنابراین به طور خلاصه در مقدمه، در این مطالعه، خلاصه‌ای از آخرالزمانی یوحنا را با اشاره ویژه به زندگی پیروان، عیسی ارائه خواهیم داد. آموزه‌های یوحنا در مورد آینده، نسبت به آموزه‌های او در مورد حال، کمتر برجسته و مرتبط هستند.

علاقه یوحنا به پیش‌بینی آنچه خواهد بود، چندان معطوف نیست، بلکه بیشتر معطوف به توصیف آنچه هست در پرتو آنچه خواهد بود، است. آنچه از آنچه خواهد بود، خبر می‌دهد و آنچه خواهد بود، از پیش آغاز شده است. پیروان عیسی از طریق کلام او به حیات جاودان رسیده‌اند.

رستاخیز آنها نشانگر رستاخیز بشریت در روز آخر است. همانطور که یوحنا در فصل ۵ آیات ۲۴ تا ۲۹ روشن می‌کند، آن ساعت فرا می‌رسد و اکنون فرا رسیده است.

اولین کاری که می‌خواهیم هنگام بررسی این اطلاعات انجام دهیم، بحث در مورد برخی فرضیات تاریخی است.

فرضیه‌ی اصلی این مطالعه باید مشخص شود. نه انجیل، نه نامه‌ها و نه مکاشفه‌ی یوحنا تصریح نمی‌کنند که یوحنا رسول، شاگرد محبوب، نویسنده‌ی آنهاست. با این وجود، می‌توان استدلال محکمی برای این دیدگاه ارائه داد که یوحنا رسول هر پنج اثر را نوشته است، یا حداقل منبع روایاتی بوده که توسط پیروان، بلافاصله او منتقل شده است.

دیدگاه‌هایی از این دست همچنان در میان محققان محافظه‌کار رایج است. با این وجود، پیوستگی الهیاتی این مجموعه بیشتر از نویسنده آن به مطالعه حاضر مربوط می‌شود. چگونگی پیدایش انجیل، نامه‌ها و مکاشفه یوحنا دقیقاً مشخص نیست.

می‌توان گفت که نگارش، انتشار و پذیرش انجیل یوحنا زمینه‌ساز نگارش نامه‌ها و در نهایت آخرالزمان بوده است. سناریوی مخالفی نیز محتمل است، سناریویی که در آن نامه‌ها منعکس‌کننده آموزه‌های در حال توسعه یوحنا هستند که بعداً به طور کامل در روایت و پایان آخرالزمانی بیان می‌شوند. صرف نظر از رابطه تاریخی بین انجیل و نامه‌ها، می‌توان به طور معقولی آخرالزمان را نمایانگر مرحله بعدی آموزه‌های یوحنا دانست، آموزه‌هایی که پیروزی عیسی را که قبلاً در انجیل روایت شده است، پیش‌بینی می‌کنند و آن را در موقعیت‌های خاص نشان داده شده در نامه‌ها به کار می‌برند.

یک رویکرد جالب به این موضوع، رویکرد لوک تیموتی جانسون در کتابش، نوشته‌های عهد جدید، است. جانسون معتقد است که استقبال متفاوت از انجیل یوحنا منجر به ارسال سه نامه به عنوان یک بسته، توسط دمتریوس به یک جامعه واحد شده است. یوحنا در نامه سوم، وفاداری گایوس را توصیه می‌کند، مخالفت دیوکتیان را افشا می‌کند و از دمتریوس حمایت می‌کند.

رساله دوم یوحنا باید به عنوان یک نامه همراه یا مقدمه‌ای بر رساله اول یوحنا برای کلیسا خوانده شود. رساله اول یوحنا موعظه‌ای است که وفاداری به سنت بزرگان را آنطور که در انجیل یوحنا بیان شده است تشویق می‌کند. فراتر از آن، هرچند ممکن است، جالب باشد که در مورد ریشه‌های تاریخی این کتاب‌ها فکر کنیم، اما کاری که امروز سعی در انجام آن داریم، درک همبستگی‌ها و پیوستگی موضوعی آنهاست.

بنابراین، اولین چیزی که می‌خواهیم در مورد فرجام‌شناسی یوحنا به آن فکر کنیم این است که چگونه باید آن را به عنوان آینده‌ی تحقق‌یافته یا فرجام‌شناسی آغازین سبک‌بندی کنیم. اساسی‌ترین سؤال که در مطالعه‌ی آینده‌ی نوشته‌های یوحنا با آن مواجه می‌شویم این است که آیا اصلاً به آینده پرداخته شده است یا خیر. لا در الهیات عهد جدید خود صریحاً اظهار داشت که، نقل قول، سطحی‌ترین مقایسه‌ی انجیل‌های هم‌نوا و یوحنا، این تصور را ایجاد می‌کند که عیسی یوحنا علاقه‌ی کمی به فرجام‌شناسی دارد.

نظر استیون اسمالی ظریف‌تر است. انجیل‌نویس چهارم در مورد چیزهای آخر به خودی خود حرف چندانی برای گفتن ندارد و بیشتر به رابطه‌ی حیاتی بین زمان و ابدیت، حداقل برای خودش، توجه دارد. برخی از آموزه‌های یوحنا بر تحقق فعلی چیزهایی که معمولاً به عنوان چیزهایی که هنوز در راهند، درک می‌شوند تأکید دارند.

برای مثال، عیسی مسیح پیش از این آمده است تا خدا را آشکار کند و پرستش واقعی را برقرار سازد. یوحنا فصل ۱ آیات ۱۴ تا ۱۸، یوحنا فصل ۴ آیات ۲۱ تا ۲۶، در کنار آن، اول یوحنا فصل ۴ آیه ۲ و فصل ۵ آیه ۵ را نیز بیاورید. گزاره دیگری مانند اینکه عیسی پیش از این بر جهان غلبه کرده است، کار رستگاری او به ۶ پایان رسیده است. متونی مانند یوحنا ۱۶:۲۳، ۱۷:۴، ۱۹، ۳۰، و همچنین اول یوحنا فصل ۲ آیه ۸، فصل ۳ آیه ۵، و حتی کتاب مکاشفه ۱، ۵، ۳، ۲۱ و ۵، ۵. یکی دیگر از آموزه‌های آخرالزمانی یوحنا این است که مؤمنان به عیسی پیش از این بر شریر غلبه کرده‌اند.

اول یوحنا فصل ۲ آیات ۱۳ و ۱۴، اول یوحنا ۴:۴، اول یوحنا ۵:۴ و ۵، مکاشفه فصل ۱۲ آیات ۱۰ و ۱۱، فکر می‌کنم با رجوع به سخنان مهم عیسی در ۱۶:۳۳ و با تکیه بر آنها، من بر جهان غلبه کرده‌ام. طبق گفته یوحنا، ساعت رستاخیز از قبل فرا رسیده است. مردگان صدای پسر خدا را می‌شنوند و طبق گفته یوحنا ۵ آیات ۲۵ تا ۲۹، زنده می‌شوند.

یکی دیگر از اظهارات جالب در مورد تحقق فعلی حقایق آخرالزمانی این است که شیطان، رئیس این جهان قبلاً داوری شده است. یوحنا فصل ۱۲ آیات ۳۱، ۱۶:۱۱، اول یوحنا ۳:۸، مکاشفه ۱۲ آیات ۷ تا ۱۰ را مقایسه کنید. مؤمنان به عیسی از قبل حیات جاودان دارند.

طبق متونی مانند یوحنا ۳، ۱۸، یوحنا ۳، ۳۶، اول یوحنا ۵، ۱۲ و ۱۳ و همچنین آیه ۱۹ در همان فصل کافران در حال حاضر تحت داوری هستند. در نهایت، طبق گفته اول یوحنا، دجال‌ها در حال حاضر در جهان هستند. اول یوحنا ۲: ۱۸، ۲۲، اول یوحنا ۴: ۳ و دوم یوحنا آیه ۷. بنابراین، یوحنا به شیوه‌ای بسیار دراماتیک درباره چیزهایی صحبت می‌کند که ما معمولاً آنها را آینده می‌دانیم، زیرا از قبل آغاز شده‌اند.

از سوی دیگر، یوحنا به طور واضح درباره آینده صحبت می‌کند. عیسی خواهد رفت تا مکانی را برای شاگردانش آماده کند و سپس طبق یوحنا ۱۴ از میان آنها خواهد آمد. اگرچه این متن بسیار مورد بحث است، اما به نظر می‌رسد که نوعی آخرالزمان در آینده، حداقل یکی از پیامدهای این متن است.

متن دیگری که به آخرالزمان در انجیل یوحنا اشاره دارد، فصل ۲۱ آیات ۲۲ و ۲۳ است. می‌توانیم این را با اشارات به آمدن مسیح در آینده در اول یوحنا ۲ آیه ۲۸، فصل ۳ آیات ۲ و ۳، و همچنین مکاشفه ۱:۷ چندین متن دیگر در فصل‌های ۲ و ۳، و البته نتیجه‌گیری کتاب در فصل ۱۹ و فصل ۲۲ مقایسه ۲:۵ کنیم. جنبه دیگری از آخرالزمان در انجیل یوحنا این است که دشمنان عیسی ممکن است طبق مکاشفه ۶:۲ و سایر متون آخرالزمان، اجازه داشته باشند برای مدتی بر قوم او غلبه کنند، اما در نهایت عیسی بر همه دشمنان خود غلبه خواهد کرد، مکاشفه ۱۷ آیه ۱۴.

یکی دیگر از جنبه‌های آخرالزمانی آموزه‌های یوحنا این است که ساعت رستاخیز در حال آمدن است. اگرچه طبق یوحنا ۵، ساعت رستاخیز از قبل به نوعی فرا رسیده است، اما یوحنا ۵ در ادامه می‌گوید که بار دوم این عبارت بیان می‌شود که ساعت رستاخیز در حال آمدن است، زمانی که همه مردم یا برای زندگی یا برای داوری برانگیخته می‌شوند. طبق اول یوحنا ۲ آیه ۱۸، در واقع دجال‌های فعلی وجود دارند، اما این دجال‌ها واقعیت دجال آینده را نشان می‌دهند.

یوحنا همچنین در اول یوحنا فصل ۲، آیه ۱۸ می‌گوید که این آخرین ساعت است و مؤمنان به عیسی می‌توانند با اطمینان روز داوری را پیش‌بینی کنند، اول یوحنا فصل ۴، آیه ۱۷. پیچیدگی آموزه‌های یوحنا در این زمینه، محققانی مانند سی. اچ. داد و رودولف بولتمان را بر آن داشته است تا استدلال کنند که آینده در یوحنا باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که گویی از قبل به طور کامل در زمان حال تحقق یافته است. داد استدلال کرد که تأخیر در آمدن مسیح، مسیحیان اولیه را بر آن داشت تا یک فرجام‌شناسی آخرالزمانی آینده‌نگر ابتدایی را به یک حس عرفانی ظریف‌تر از سکونت مسیح از طریق روح، ارتقا دهند.

دستور کار اگزیستانسیالیستی اسطوره‌زدایی بولتمان منجر به انکار همه چیزهای معجزه‌آسا، از جمله پایان آخرالزمانی جهان، توسط او شد. او معادشناسی را به عنوان وجود شخصی اصیل می‌دانست و متن آینده‌نگرانه در یوحنا را به یک الحاقیه متاخر نسبت می‌داد. اثر جدیدتر فون والده نیز به همین ترتیب به این موضوع می‌پردازد.

آنها برای سه مورد اضافه شده به انجیل چهارم استدلال می‌کنند. این موارد اضافه شده به تدریج فرجام‌شناسی را از مرحله اول توسعه می‌دهند، جایی که داشتن حیات ابدی توسط جامعه مؤمنان به مرحله دوم، وجود معنوی مؤمنان پس از مرگ، منجر می‌شود که به مرحله سوم، رستاخیز جسمانی مؤمنان در آینده در زمانی که حساب آن مشخص خواهد شد، منجر می‌شود. دیدگاه مخالف معمولاً توسط تقدیرگرایان سنتی بیان می‌شود که برای آنها سلطنت خدا کاملاً آینده است.

چارلز رابری نقش انجیل و نامه‌ها را در مطالعه‌ی فرجام‌شناسی یوحنا کم‌اهمیت جلوه داد و اظهار داشت که فرجام‌شناسی یوحنا عمدتاً در آخرالزمان یافت می‌شود. این گفته رویکردی کاملاً آینده‌نگرانه را در نظر می‌گیرد. جان والورد اذعان کرد که پادشاهی خدا به نوعی در زمان ظهور اولیه‌ی عیسی وجود داشته است، اما در ادامه گفت که، به نقل از او، امیدها، وعده‌ها و انتظارات مرتبط با آمدن او به وقوع نپیوست.

آخرت‌شناسی که شامل آنها می‌شد، محقق نشد. دیدگاه والورد در مورد ظهور موعود بدون حتی کمترین تحقق برکات آخرالزمانی موعود، کاملاً آینده‌نگرانه است. به همین ترتیب، برداشت آلو جی. مک‌لین از یوحنا تا ۲۹، ساعت کنونی بازسازی معنوی را از ساعت آخرالزمانی رستاخیز جسمانی چنان دقیق جدا ۲۵، ۵ می‌کند که انسان تعجب می‌کند که چرا عیسی حتی اولی را بر اساس دومی توصیف می‌کند.

در بافت وسیع‌تر الهیات عهد جدید، این نوع آینده‌نگری با آنچه آخرت‌شناسی منسجم یا آخرت‌شناسی، نتیجه‌گرایی یوهانس وایس نامیده شده است، قرابت‌هایی دارد. پژوهش‌های عهد جدید، در کل طیف الهیاتی در برابر هر دو رویکرد همه یا هیچ مقاومت کرده‌اند. جنبه‌های تحقق‌یافته و آینده‌نگرانه آخرت‌شناسی عهد جدید را مکمل و هم‌بسته می‌دانند، نه متناقض و اصلاح‌کننده.

تفاوت‌های بین تمرکز یوحنا بر حیات ابدی و تمرکز انجیل‌های هم‌نوا بر پادشاهی خدا، معمولاً نه به عنوان آموزه‌های ناهمگون، بلکه به عنوان تأکیدات متمایز درک می‌شوند. دبلیو. اف. هاوارد استدلال کرد که آموزه یوحنا در مورد عیسی به عنوان تفسیر جلال خدا در آیات ۱:۱۴ تا ۱۸، مستلزم تجلی کامل و نهایی آن جلال است. سی. اف. دی. مول معتقد بود که تأکید یوحنا بر آخرت‌شناسی شخصی و فردی، او را به تأکیدی محقق‌شده سوق داد.

رودولف اشناکبرگ در مورد یوحنا ۳:۱۷ و آیات پس از آن اظهار داشت که هیچ کس اهمیت مکاشفه آخرالزمانی یوحنا را بهتر از یوحنا درک نکرده است و تأکید یوحنا بر داوری کنونی، داوری آینده را به تأخیر نمی‌اندازد، ببخشید، داوری آینده را انکار نمی‌کند، داوری که عمل نجات‌بخش خدا را در زمان حال کامل می‌کند. دیوید آون جنبه‌های تحقق‌یافته یا عرفانی آخرالزمان‌شناسی یوحنا را در یک فضای فرقه‌ای ردیابی کرد. دبلیو. جی. کومل از ضرورت اساسی امید به تحقق وعده داده شده در آینده به عنوان بخشی از عمل نجات‌بخش الهی که منجر به واقعیت کنونی نجات در یوحنا شد، سخن گفت.

سی. کی. بارت تأکید یوحنا بر زمان حال را تصدیق کرد، اما اصرار داشت که یوحنا در متونی مانند یوحنا ۵۳ در گفتمان موسوم به نان حیات، تا حدودی به آخرالزمان‌گرایی در روز آخر پایبند ۴۴، ۴۰، ۳۹:۶ است. لئونارد گوپلت در انجیل چهارم، حال و آینده را با در نظر گرفتن حال به عنوان نهایت ملموس و مرئی، و حال را به عنوان نهایت ملموس و مرئی، به هم پیوند داد. مودی اسمیت اظهار می‌کند که در یوحنا، رستگاری نه تنها یک واقعیت در زمان حال است، بلکه به دلیل حضورش، آینده از قبل به جای امید، امری تضمینی است.

فرانک تیلن تأکید یوحنا بر زمان حال را در عهد جدید غیرمعمول می‌داند، اما تأکید متناظر یوحنا بر ضرورت استقامت در طول آزار و اذیت را گواهی بر این می‌داند که آخرت‌شناسی آینده برای یوحنا یک ضرورت الهیاتی است. توماس شراینر بررسی خود از الهیات عهد جدید را با استفاده از زبان «از پیش نه هنوز» به عنوان یک ویژگی اساسی پادشاهی خدا آغاز می‌کند. کریگ کستر آمدن عیسی را به عنوان شکافی در زمان توصیف می‌کند که در نهایت و به طور قطعی جهان را با دگرگون کردن رابطه امیدهای آینده و واقعیت‌های حال تغییر می‌دهد.

رویکرد جامع جی. کی. بیل به الهیات کتاب مقدس عهد جدید، مبتنی بر عمل خدا در مسیح برای آغاز تجدید خلقت به عنوان یک کل است که با بحث در مورد رابطه بین واقعیت‌های آخرالزمانی آغاز شده و

کامل شده به پایان می‌رسد. با توجه به این بررسی از افراد برجسته الهیات کتاب مقدس، واضح به نظر می‌رسد که یوحنا سلطنت باشکوه خدا را نه به عنوان کاملاً تحقق یافته و نه به عنوان کاملاً آینده، بلکه به عنوان هر دو به عنوان تا حدی تحقق یافته در زمان حال و در عین حال تحقق کامل در آینده به تصویر می‌کشد. متکلمان عهد جدید معمولاً از تحقق عمودی اخلاقی واقعیت‌های آینده و تحقق افقی آخرالزمانی همان واقعیت‌ها در آینده صحبت می‌کنند.

در توصیف آموزه‌های یوحنا، اصطلاح «تأسیس» مهم‌تر از اصطلاح «تحقق یافته» است، و باید بگویم مناسب‌تر از اصطلاح «تحقق یافته» است. این اصطلاح «تأسیس شده» شاید با اصطلاحات آلمانی یواخیم که حدس eschatologie ارمیا مرتبط باشد که گفت، کسی که از یک زیک صحبت کرد تحقق بخشیدن، کاملاً آینده‌نگر eschatology. در فرآیند تحقق ترجمه شود eschatology می‌زنم تقریباً به چیزی شبیه به تأکید یوحنا بر تأثیر قدرتمند مرگ، زندگی، مرگ، رستاخیز و نزول روح مسیح برای توانمندسازی قومش برای انجام کار او را کوتاه می‌کند.

متونی مانند یوحنا ۲۰ آیات ۲۱ و ۲۲، اول یوحنا فصل ۲ آیه ۸، ۲۱:۴، ۲۷:۲۰. آخرت‌شناسی کاملاً تحقق یافته، آموزه‌های کتاب مقدس در مورد آنچه خدا برای تکمیل آنچه در مسیح آغاز شده است، انجام خواهد داد را ناقص می‌کند. آخرت‌شناسی یوحنا، «حال» را به «نه هنوز» پیوند می‌دهد و اینکه زندگی آخرت‌شناختی که پیروان عیسی از قبل تجربه کرده‌اند، توسط روح در آنها ساکن است و آنها را برای مشکلات پیش رو توانمند می‌سازد.

متونی مانند یوحنا ۱۵ آیات ۱۸ تا ۱۶:۱۱، یوحنا ۱۶:۲۰ تا ۲۲، و اشارات در دعای عیسی، یوحنا ۱۷:۱۴، و در سخنان خطاب به پطرس در فصل ۲۱ آیه ۱۸. علاوه بر این، در یوحنا، تعلیم در مورد زندگی ابدی به عنوان یک واقعیت کنونی، کمال آینده را که مبتنی بر آن است، فرض می‌کند. وقتی کسی این رویکرد را در مورد نکات ذکر شده در بالا به کار می‌برد، یک دیدگاه الهیاتی قابل اعتماد و قابل توجه پدیدار می‌شود.

اولاً، عیسی از جانب پدر آمده است تا خدا را آشکار کند و پرستش حقیقی را برقرار سازد. او نزد پدر خواهد رفت تا مکانی را برای پیروانش آماده کند و سپس به زمین باز خواهد گشت تا رابطه خود را با آنها به کمال برساند. ثانیاً، عیسی کار پدر را به پایان رسانده و بر جهان و شاهزاده آن غلبه کرده است.

پیروان او از طریق ایمان در این پیروزی سهیم هستند، با این حال، آنها قبل از اینکه در اثبات و پیروزی نهایی، او سهیم شوند، دچار مشکلاتی خواهند شد و حتی موقتاً توسط دشمنان عیسی مغلوب خواهند شد. سوم پیام عیسی در حال حاضر مردم را از مرگ بیگانگی از خدا به زندگی مشارکت با او برمی‌خیزاند. مالکیت فعلی این زندگی، مؤمنان را از پایداری آن در آینده مطمئن می‌سازد.

روزی، عیسی مسیح به طور کامل، همه انسان‌ها را برای پاداش یا مجازات زنده خواهد کرد. از این دیدگاه کلی، می‌توان مضامین یوحنا را که آینده را به تصویر می‌کشند، به طور مفیدی بررسی کرد. انتخاب چنین مضامینی برای یک مطالعه کوتاه، مستلزم انتخاب‌های روش‌شناختی دشواری است.

می‌توان آموزه‌های یوحنا را به صورت موضوعی بررسی کرد، همانطور که دبلیو. آر. کوک، که به مرگ، حیات جاودان، رستاخیز، بهشت، داوری و بازگشت مسیح می‌پردازد، این کار را مفید انجام می‌دهد. با این حال، به دلیل محدودیت فضا، ادامه این مطالعه تنها به چند مضمون بسیار مرتبط با یوحنا خواهد پرداخت. اول، ساعت آمدن، اما اینجا.

دوم، پادشاهی خدا. سوم، آمدن عیسی. و چهارم، تجدید خلقت.

بنابراین، به برخی از مضامین منتخب آخرالزمانی در انجیل یوحنا می‌پردازیم. ابتدا به ساعتی که از قبل فرا رسیده است، نگاهی می‌اندازیم که در حال آمدن است، اما از قبل اینجا است. اگرچه کلمه ساعت حدود ۲۵ بار در انجیل چهارم آمده است، اما عبارت «ساعت فرا می‌رسد» و «اکنون فرا رسیده است» در یوحنا ۴:۲۳ و ۵:۲۵ نیاز به توجه ویژه دارد.

این عبارت چشمگیر، در دو بار تکرار خود، حضور آینده را به تصویر می‌کشد، به عبارت دیگر، شیوه‌ای از سخن گفتن که توسط جورج لاد ابداع شده است. تحقق کنونی وعده‌های نبوی به عنوان مقدمه‌ای برای تحقق نهایی آخرالزمانی آنها. گفتگوی عیسی با زن سامری در یوحنا ۴ منجر به تعلیم او در مورد پرستش اصیل مسیحایی در روح و حقیقت شد.

عبادت‌ی که از رقابت‌های تاریخی بین اورشلیم و جریزیم سامریان فراتر رفت، یوحنا فصل ۴ آیات ۲۱ تا ۲۵. زن با بصیرت هویت نبوی عیسی را دریافت و به شکاف تاریخی بین عبادت سامریان در کوه جریزیم و عبادت یهودیان در اورشلیم اشاره کرد، یوحنا فصل ۴ آیه ۲۰. عیسی صادقانه بر مرکزیت اورشلیم و تاریخ رستگاری تا آن زمان تأکید کرد، اما خاطرنشان کرد که حرکت کنونی خدا، شیوه عبادت را بر مکان عبادت اولویت می‌دهد، یوحنا ۴:۲۱. عیسی از طرد یهودیان و اورشلیم صحبت نمی‌کرد، بلکه از آن به عنوان تجدید مسیحایی کلیسای یهود و عبادت یهودیان، مطابق با وعده خدا به ابراهیم در پیدایش فصل ۱۲، یاد می‌کرد.

طبق عهد عتیق، معبد اورشلیم قرار بود خانه‌ای برای دعا برای همه ملت‌ها، یهودیان، سامریان و تمام بشریت باشد، یوحنا فصل ۲ آیه ۱۷، با استناد به مزمور ۶۹:۹. ایمان آوردن سامریان به عیسی مسیح در روایت یوحنا فصل ۴ آیات ۳۹ تا ۴۲ نشان داد که نقشه خدا برای رسیدن به همه بشریت از قبل در حال تحقق بوده است، یوحنا فصل ۱ آیه ۹، ۳:۱۶. بسیاری از متون دیگر در یوحنا از افرادی صحبت می‌کنند که به سوی عیسی می‌آیند. با تأمل در اول یوحنا فصل ۲ آیه ۲، متوجه می‌شویم که عیسی مسیح فقط کفاره گناهان ما، یعنی گناهان یهودیان، نیست، بلکه کفاره گناهان تمام جهان است. مکاشفه فصل ۵ آیات ۹ و جایی که افرادی از انواع قومیت‌ها در اطراف تخت خدا هستند و بره را ستایش می‌کنند، و متون دیگر ۱۰، در کتاب مکاشفه.

بنابراین در یوحنا فصل ۴، زمان پرستش معنوی اصیل از طریق عیسی مسیح در حال تحقق بود، یوحنا فصل ۴ آیات ۲۳ تا ۲۵. در سفر دوم عیسی به اورشلیم، شفای یک مرد فلج در روز سبت منجر به درگیری با مقامات شد، همانطور که پاکسازی معبد در سفر قبلی او منجر به درگیری شده بود. عیسی با پیوند دادن کار سبت خود با فعالیت مداوم پدر، از اعمال خود دفاع کرد و تأیید کرد که اعمال خودش صرفاً آینه‌ای از اعمال پدر است و پدر کار زنده کردن مردگان و داوری آنها را به او سپرده است، یوحنا ۵:۱۶ تا ۲۳.

چنین زبانی معمولاً به رستاخیز آینده و داوری در روز آخر اشاره دارد، اما عیسی توضیح می‌دهد که این اتفاق در حال رخ دادن است. او به هر که بخواهد، زندگی می‌بخشد. کسانی که او را می‌پذیرند، از مرگ به زندگی منتقل شده‌اند و رستاخیزی را تجربه می‌کنند که آنها را از محکومیت در روز آخر رهایی می‌بخشد.

به این معنا، ساعت داوری آخرالزمانی از قبل وجود دارد، به این صورت که مردگان، که جدا از خدا زندگی می‌کنند، پیام حیات‌بخش عیسی را می‌شنوند و حیات جاودان را دریافت می‌کنند، یوحنا ۵:۲۵ تا ۲۷. این ساعت کنونی تجدید اخلاقی-معنوی درونی نباید برای مخاطبان عیسی تعجب‌آور باشد، زیرا ساعت رستاخیز، جسمانی در آینده را پیشگویی می‌کند، زمانی که همه در مقبره‌ها به زندگی یا محکومیت برانگیخته می‌شوند یوحنا ۵:۲۸ و ۲۹، که مقدم بر مکاشفه فصل ۲۰، آیات ۱۱ تا ۱۵ است. گفتگوی بعدی عیسی با مارتا در مورد مرگ لازاروس، یوحنا ۱۱، آیات ۱۷ تا ۲۷، به بهترین وجه در پرتو این آموزه در مورد ساعت آینده اما حاضر قابل درک است.

عیسی عمداً پس از مرگ ایلعازر به بیت عنیا می‌رسد و به مارتا، خواهر ایلعازر، قول می‌دهد که برادرش دوباره زنده خواهد شد. مارتا در واقع، با مقایسه یوحنا ۶:۳۹ و ۴۰، اعتقاد خود را به رستاخیز نهایی برادرش در روز آخر تأیید می‌کند. عیسی در یوحنا ۱۱:۲۵ اعتقاد مارتا را تصدیق می‌کند، اما بر حقیقت عمیق‌تری تأکید می‌کند.

هویت مسیحایی او به عنوان دهنده حیات رستاخیز به این معنی است که کسانی که به او ایمان دارند، از قبل حیات دارند و هرگز نخواهند مرد. رابطه حیاتی و پویای آنها با خدا فراتر از قبر است. بیرون آمدن ایلعازر از قبرش، آنچه را که عیسی قبلاً در یوحنا ۵:۲۱ تا ۲۹ تعلیم داده بود، نشان می‌دهد.

همچنین قبر خالی عیسی، سپیده دم روز آینده را پیش‌بینی می‌کند. عبارت چشمگیر «ساعت فرا می‌رسد، اما اکنون فرا رسیده است»، که هم در یوحنا ۴ و هم در یوحنا ۵ یافت می‌شود، واقعیت کار رستگاری آینده خدا را کوچک نمی‌شمارد، بلکه دسترسی فعلی به زندگی را که باید در زمان آمدن مسیح تجربه شود، به حداکثر می‌رساند. تحقق واقعی، هرچند جزئی، رستگاری، مبتنی بر واقعیت فرضی یک پایان آخرالزمانی در آینده است.

دومین موضوع کلیدی آخرالزمانی که باید در مورد آن فکر کنیم، نحوه‌ی صحبت یوحنا از پادشاهی خدا است. اگرچه پادشاهی خدا در انجیل چهارم به طور مکرر ذکر نشده است، با این وجود، در آموزه‌های یوحنا، کلیدی برای درک آینده است. طبق متونی مانند ۱:۱۴، ۱:۵۱، ۳:۱۳ و بسیاری دیگر، عیسی از بالا، از آسمان، به عنوان نماینده‌ی اقتدار خدا بر روی زمین آمده است.

سخنان عیسی به نیکودیموس در یوحنا ۳:۳-۸، از تولد دوباره روحانی به عنوان یک ضرورت برای شرکت در پادشاهی خدا سخن می‌گوید. نیکودیموس با وجود دانش خود، از این گفته گیج شده است. با توجه به پیشینه‌اش، او احتمالاً پادشاهی را از منظر وعده‌های پیامبران در مورد برکات آینده خدا بر اسرائیل بازگرداندن آنها به لطف خود در سرزمینی که به آنها وعده داده شده بود، داوری دشمنانشان و آوردن صلح ابدی برای آنها، می‌دید.

به نظر نمی‌رسد سخنان عیسی فرضیات نیکودیموس در مورد خود پادشاهی را به چالش بکشد، بلکه بیشتر فرضیات ملی‌گرایانه او در مورد ورود به آن را به چالش می‌کشد. از آنجایی که پادشاهی عیسی از این جهان نیست، طبق یوحنا ۱۸: ۳۳-۳۸، تولد ماوراءالطبیعه دگرگون‌کننده و بینش ناشی از آن برای تجربه آن لازم است. یوحنا ۱:۱۲، یوحنا ۳: ۳-۱۰، یوحنا ۶: ۱۴-۱۵ و متون دیگر را مقایسه کنید.

همه اینها با این دیدگاه سازگار است که پادشاهی خدا در یوحنا فراتر از رسالت فعلی عیسی است و در آینده به کمال خواهد رسید. سومین موضوع کلیدی آخرالزمانی که باید مورد بحث قرار گیرد، نحوه به تصویر کشیدن آمدن عیسی در یوحنا است. روایت یوحنا بر این نکته تأکید می‌کند که عیسی پیش از این به عنوان پادشاه مسیحایی خدا آمده است.

وعده‌های عیسی در مورد آمدن آینده، فصل ۲۱، آیات ۲۲ و ۲۳، مقایسه کنید با اول یوحنا ۲، آیات ۲۸-۳۳ عمده‌تاً در گفتمان موجود در یوحنا ۱۳:۳۱-۱۶:۳۳ تأکید شده است، که در ابتدا با شستن پا و در انتها ۳۳ با دعا در فصل ۱۷ در پراگندگی قرار گرفته است. این آمدن‌های موعود ابهاماتی را به همراه دارند که منجر به بحث‌های علمی زیادی می‌شود. در اینجا فقط خلاصه‌ای مختصر امکان‌پذیر است.

وعده عیسی مبنی بر بازگشت دوباره به نزد شاگردانش پس از رفتن برای آماده کردن مکانی برای آنها در فصل آیات ۱-۶، شاید در مقایسه با آیات ۲۲ و ۲۳ فصل ۲۱، به بهترین وجه به عنوان اشاره‌ای به آمدن ۱۴، آینده او به عنوان پادشاه مسیحایی آخرالزمانی درک شود که منجر به بردن شاگردان برای سکونت با او

می‌شود. البته، این امکان وجود دارد که این زبان آینده‌نگرانه نیز به کار روح و شاگردان به عنوان موجوداتی حاضر و در زمان حال که آنها را به حضور پدر هدایت می‌کنند، اشاره داشته باشد. به نظر می‌رسد که این وعده در آیات ۱۴:۲۸ و ۲۹ و ۱۶:۲۸ به طور ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است.

وعده عیسی مبنی بر ظهور خود بر شاگردان تا او را ببینند و یتیم نشوند در آیات ۱۴:۲۱، به احتمال زیاد به ظهورهای پس از رستاخیز اشاره دارد که بعداً در انجیل در فصل‌های ۲۰ و ۲۱ روایت شده است. به نظر می‌رسد که به این وعده در آیات ۱۶:۱۶-۲۴ اشاره شده است. وعده عیسی مبنی بر آمدن با پدر و اقامت در کنار کسانی که او را دوست دارند و کلام او را حفظ می‌کنند، احتمالاً باید با آیاتی که نوید آمدن روح یاری‌دهنده را می‌دهند، در فصل‌های ۱۴، آیات ۱۵-۱۷، ۲۵ و ۲۶، ۲۶:۱۵ و ۲۷ و ۱۶:۷-۱۵، در نظر گرفته شود.

همانطور که پدر روح القدس را فرستاد تا عیسی را برای خدمتش تجهیز کند، عیسی پس از رستاخیز، روح القدس را به شاگردانش عطا می‌کند تا آنها را برای ادامه خدمتش تجهیز کند، فصل ۲۰، آیات ۲۲ و ۲۳ خدمت مسیح‌محور روح القدس هم گذشته‌نگر و هم آینده‌نگر است. او باعث می‌شود شاگردان آنچه عیسی، تعلیم داده است را به یاد آورند و او به آنها در مورد چیزهای آینده تعلیم می‌دهد و از طریق خدمت آنها، جهان را متقاعد می‌کند.

بنابراین، خدمت یاور، ظهورهای پس از رستاخیز عیسی را فراتر از محدوده روایت انجیل چهارم ادامه می‌دهد. هم آمدن‌های پس از رستاخیز عیسی و هم آمدن قریب‌الوقوع او به همراه پدر از طریق روح شاگردان را قادر می‌سازد تا علیرغم تمام مشکلاتی که پیش از آمدن نهایی او پیش می‌آید، خدمت عیسی را ادامه دهند. بر این اساس، سخنرانی در بالاخانه نه یک سخنرانی خداحافظی، بلکه نصیحتی است مبنی بر اینکه شاگردان عیسی همچنان که حضور دگرگون‌شده مداوم او را از طریق روح یاور که او خواهد فرستاد، تجربه می‌کنند، به خدمت او ادامه دهند.

آخرین مضمون آخرالزمانی در یوحنا که می‌خواهیم مورد بحث قرار دهیم، تجدید خلقت است. نمونه‌ای تا حدودی نادیده گرفته شده از الهیات یوحنا در مورد ساعت آینده، که از قبل وجود دارد، در مقدمه یوحنا یافت می‌شود. این متن باشکوه، کلمه، لوگوس، را نه تنها به عنوان سارکوس، خالق غیرجسمانی از ۱۸-۱: نیز ارائه می‌دهد. سارکو، و آفریدگار جسم، آشکار کننده، en، پیش موجود، بلکه به عنوان تجسم یافته خدا.

یوحنا ۱:۱-۳ کلمه را به عنوان خالق اصلی همه چیز معرفی می‌کند. یوحنا ۱، آیات ۴ و ۵، کلمه را به عنوان آشکارکننده به شیوه‌ای معرفی می‌کند که الهیات خلقت جدید نهفته یوحنایی را تأیید می‌کند. این امر در استفاده گسترده از زبان نور و تاریکی برای به تصویر کشیدن زندگی موجود از طریق ایمان به لوگوس در فصل ۱۲ و ۱۳، و همچنین در نحوه‌ای که مرگ برای کسانی که ایمان نمی‌آورند باقی می‌ماند، یوحنا ۳، ۱، آیات ۱۶-۲۱، که در تاریکی می‌مانند، دیده می‌شود.

تصویر یوحنا به عنوان لوگوس، به عنوان حیات و نور، بر عیسی به عنوان تجدیدکننده خلقت تأکید می‌کند. آموزه یوحنا در مورد کلمه به عنوان وحی‌کننده، که به طور واضح‌تری در یوحنا ۱، آیات ۱۴-۱۸ تأکید شده است، از تجربیات موسی از خدا در خروج ۳۳ و ۳۴، به ویژه فصل ۳۴، آیه ۶، بهره می‌برد. آنچه که معمولاً به عنوان یک قیاس آخرالزمانی آدم-مسیح که در آن رستگاری به عنوان خلقت جدید به تصویر کشیده شده است، به صراحت توسط پولس در استدلال رساله‌ای، رومیان ۵: ۱۲-۲۱، و سایر متون، به عنوان یک قیاس آخرالزمانی آدم-مسیح، که در آن رستگاری به عنوان خلقت جدید به تصویر کشیده شده است، درک می‌شود، توسط نویسندگان انجیل چهارم نیز، البته به طور ضمنی از طریق هنر روایت، بیان شده است. تفاسیر

تمایل دارند مشاهدات جداگانه‌ای در مورد مفاهیم خلقت جزئیات مختلف یوحنا ۱ انجام دهند، اما بررسی‌های گسترده در مورد این موضوع نسبتاً نادر است.

برخی تفاسیر و مطالعات دیگر، هفت روز را در یوحنا ۱:۱۹ و آیات بعدی آن یافته‌اند که به عنوان تکرار پیدایش ۱ تلقی می‌شوند. مطالعات دیگر، شواهدی از مضمون بهشت را در یوحنا ۲۰، آیه ۱۵ که به یک باغ، اشاره دارد، یافته‌اند. مکاشفه ۲، آیه ۷، مکاشفه ۲۲، ۱ و ۲، و آیات ۱۴ و ۱۹ را مقایسه کنید. یوحنا ۲۰ آیه ۲۲، ممکن است اشاره‌ای به پیدایش ۲، آیه ۷ باشد. در مجموع، ارتباط واقعیت زندگی در کلام با استعاره نور در یوحنا ۸، آیه ۱۲، به ویژه برای درک یوحنا ۱، آیات ۴ و ۵ به عنوان متنی در مورد خلقت جدید، قابل توجه است.

اول یوحنا همچنین نور و حیات را به هم مرتبط می‌کند. کسانی که ادعا می‌کنند در نور هستند در حالی که در تاریکی زندگی می‌کنند، نشان می‌دهند که بخشی از خلقت جدید نیستند، اول یوحنا ۱، آیات ۴ تا ۷. تجاوز کنونی نور خدا به تاریکی شیطان، نمایشی استعاری از دوگانه‌گرایی اخلاقی و تجدید تدریجی خلقت است که در اول یوحنا ۲، آیات ۸ تا ۱۱ آمده است. اول یوحنا ۲:۱۳ و ۱۴ با اشاره به مؤمنان به عنوان کسانی که او را که از ابتدا هست و کلامش نور را به هستی آورده است، می‌شناسند، پیدایش ۱:۱ و یوحنا ۱:۱ را تداعی می‌کند.

علاوه بر این، مکاشفه یوحنا، تجدید خلقت عیسی را به الهیات یوحناپی نسبت می‌دهد. احتمالاً توصیف عیسی به عنوان آغاز خلقت خدا در مکاشفه ۳، آیه ۱۴، به عیسی به عنوان سر متعال تجدید خلقت اشاره دارد. عیسی با شیطان که به عنوان مار پیر در اشاره به فریب آدم و حوا توصیف شده است، در مکاشفه ۱۲ و ۲۰، مورد مخالفت قرار می‌گیرد.

ستایشی که در مکاشفه ۴، آیه ۱۱ به خالق بر تخت نشسته داده می‌شود، با ستایشی که در مکاشفه ۵، آیات ۱۰ و ۱۱ به بره‌ی ذبح شده داده می‌شود، جفت شده است. در پایان صحنه‌ی اتاق تخت، بر تخت نشسته و ۹ بره‌ی مقدس ستایش یکسانی را دریافت می‌کنند که به سلطه‌ی ابدی بر آفرینش ختم می‌شود. در مکاشفه آیه ۶، فرشته‌ای به خدایی که همه چیز را در آسمان، زمین و دریا آفریده است، سوگند یاد می‌کند که ۱۰، داوری دیگر نباید به تأخیر بیفتد.

نقش خدا به عنوان خالق اولیه، او را به عنوان تطهیرکننده‌ی فرجام‌شناختی خلقت، محق می‌سازد. به همین ترتیب، در مکاشفه ۷:۱۴، از کسانی که روی زمین زندگی می‌کنند خواسته می‌شود خدایی را که آسمان و زمین را آفریده است، پرستش کنند، زیرا بابل در سُرف سقوط در زیر خشم خداست. در مکاشفه ۱۹، ۱۳، عامل داوری خدا، لوگوس اوست.

در نهایت، سقوط شهر شرور بابل، راه را برای نزول شهر مقدس اورشلیم هموار می‌کند، زیرا همه چیز در آسمان و زمین نو می‌شود، مکاشفه ۳:۱۲، مکاشفه ۲۱:۱، و آنچه در ادامه می‌آید با دوم پطرس ۳:۱۳ مقایسه می‌شود. چنین لحنی به اشعیا ۶۵:۱۷-۶۶ برمی‌گردد. چندین ویژگی اورشلیم جدید، خواننده دقیق را به یاد پیدایش ۱-۳ می‌اندازد، از جمله پایان مرگ و تمام دردهای مربوط به آن، وجود آب در درخت زندگی و وجود نور الهی بی‌پایان.

حضور خدا کاملاً با قومش در ارتباط است، زیرا خداوند متعال و بره، معبد آن هستند. در نهایت، در مورد ارائه یوحنا از زندگی در دیدگاه آخرالزمانی، به چند نتیجه می‌رسیم.

. در نتیجه، بیان و تجسم الهیات کتاب مقدسی از زندگی، فرجام‌شناختی شده است.

بدون شک یوحنا بیش از خود آینده، بر آنچه که به عنوان آخرالزمان آغازین شناخته می‌شود، یعنی حضور آینده، تأکید دارد. این امر به ویژه در آموزه‌های عیسی دیده می‌شود که حضور ساعت آینده به این معنی است که عبادت اصیل دیگر مسئله جغرافیایی نیست و مؤمنان از قبل زندگی بی‌پایان را در ارتباط با خدا تجربه می‌کنند. در همین راستا، عیسی ضرورت تحول معنوی کنونی را برای مشارکت در پادشاهی آینده خدا تعلیم می‌دهد.

او باید نزد پدر برود و دوباره بیاید تا مشارکت آخرالزمانی محقق شود. اما در این میان، او پس از رستاخیزش بر شاگردانش ظاهر خواهد شد و روح القدس را به عنوان نماینده خود برای یاری رساندن به آنها خواهد فرستاد. هدف اصلی او در تمام این موارد چیزی کمتر از تجدید جهان، آسمانی جدید و زمینی جدید نیست که در آن خدا با قوم خود در اورشلمی جدید ساکن باشد.

نباید بیش از حد بر تفاوت‌های بین انجیل یوحنا و انجیل‌های هم‌نوا در مورد آینده تأکید کرد. همانطور که اشتون بیان کرد، هر دو به وضوح تعلیم می‌دهند که جایگاه مردم در زندگی آینده کاملاً توسط تصمیمات اخلاقی گرفته شده در زندگی کنونی تعیین می‌شود. از نظر اشتون، تأکید یوحنا بر پیامدهای فوری ایمان و کفر، داوری نهایی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد.

اما به نظر یوحنا، درست‌تر این است که بگوییم یوحنا آنقدر که زمان حال را آخرالزمانی می‌کند، آینده را آخرالزمانی نمی‌کند و بر ضرورت ایمان به عیسی و واقعیت رفاقت واقعی با خدا از طریق او تأکید می‌کند. این زندگی آخرالزمانی چگونه به نظر می‌رسد؟ اساساً، این زندگی سرشار است، یوحنا 10:10، که توسط روح القدس از طریق کلام خدا ایجاد شده است، یوحنا 6:63-68. عیسی خود حیات از جانب خداست که دوباره متولد می‌شود. یوحنا 6:14، اول یوحنا 1:1، 5:11 و 20.

عیسی به عنوان حیات خدا، به جهان حیات می‌بخشد، یوحنا ۲:۱۷، یوحنا ۳۱:۲۰. کلام حیات بخش عیسی، در جهانی تاریک و گناه‌آلود به سوی مردمانی که در تاریکی فرو رفته‌اند، می‌آید و آنها را روشن می‌کند. همانطور که خدا جهانی را که در ابتدا آفریده بود، روشن کرد، یوحنا ۱:۵-۱۱، یوحنا ۱۶:۳-۲۱ و متون دیگر این زندگی در واقع همان نوعی است که عیسی، پدرش و تسلی‌دهنده، در یوحنا ۵:۷ و ۱۷:۳، از قبل در آن سهیم بوده‌اند. این زندگی، زندگی پرستش اصیل در روح و حقیقت است، صرف نظر از مکانی که در آن رخ می‌دهد، یوحنا ۲۳:۴-۲۴. این زندگی، زندگی عاشقانه است، عشق به عیسی، پیروان مسیح و سایر انسان‌ها این عشق در واقع همان نوع عشقی است که قبلاً توسط عیسی، پدرش و تسلی‌دهنده، طبق متن فرمان جدید در یوحنا ۳۴:۱۳-۳۵، در مقایسه با اول یوحنا ۱۴:۳-۱۶، به اشتراک گذاشته شده و نشان داده شده است. همچنین زندگی‌ای است که در آن از عیسی مسیح اطاعت می‌شود.

این اطاعت در واقع همان نوع اطاعت خود عیسی از پدر است، طبق یوحنا ۱۰:۱۵. این یک زندگی متحد با دیگر مؤمنان است، نوعی وحدت که در واقع از همان نوع وحدتی است که بین پدر، پسر و روح القدس مشترک است، یعنی یک وحدت مأموریتی که برای ایمان آوردن جهان به عیسی طراحی شده است، طبق یوحنا ۲۱:۱۷-۲۳. در نهایت، این یک زندگی پایدار است، زندگی‌ای که پس از رستاخیز در روز آخر، زندگی دگرگون‌شده پس از مرگ را پیش‌بینی می‌کند، یوحنا ۲۸:۵، ۴۰:۶، ۵۴:۶. مکاشفه ۲:۱۰-۲۴ را مقایسه کنید این در واقع همان نوع زندگی است که عیسی در اولین صبح عید پاک تجربه کرد. مکاشفه ۸:۲ را مقایسه کنید. وقتی پولس آموزه عشای ربانی عیسی را در اول قرن‌تین ۲۴:۱۱-۲۶ منتقل کرد، آموخت که مؤمنان برای اندیشیدن به آینده، بلکه برای یادآوری و اعلام گذشته، مرگ خداوند، با نگاهی به آینده تا زمان آمدن او، به میز می‌آیند. اهمیت بنیادین و تعیین‌کننده کار مسیح در گذشته، لزوماً روز آینده را دیگر کاملاً ضروری نمی‌سازد، بلکه به یک معنا، امری ضد اوج است.

شکوه آینده تنها به آشکار شدن ارزش بی‌نهایت آنچه عیسی در کاری که پدر به او داده است، انجام داده است، منجر می‌شود. سخنان آیختن شایسته‌ی تأمل و تفکر از جانب ماست. آیختن می‌گوید ماهیت باور مسیحی مستلزم کاهش اهمیت هر نوع انتظار آخرالزمانی آینده‌نگرانه است.

تاکنون، مهم‌ترین انقلاب در رابطه انسان با خدا توسط مسیح محقق شده است. بدون چنین اعتقادی، انجیل چیزی جز یک آبجوی نسبتاً کوچک نخواهد بود.

بنابراین، با یادآوری برخی از نکات کلیدی در انجیل یوحنا و در کل نوشته‌های یوحنا، بحث را به پایان می‌رسانیم.

در یوحنا ۱۶، آیه ۳۳ به ما گفته شده است که عیسی بر جهان غلبه کرده است، همانطور که در یوحنا مکاشفه ۵:۵ نیز تکرار شده است. شیر قبیله یهودا، ریشه داوود، پیروز شده است. بره‌ای که ذبح شد شایسته است که قدرت و ثروت، و حکمت، و توانایی، و احترام، و جلال، و برکت را دریافت کند، مکاشفه ۵:۱۲. با یوحنا ۱۷ مقایسه کنید.

بیا، ای خداوند عیسی، به پادشاهی خدا بیا. مکاشفه فصل ۲۲، آیه ۲۰. ساعت فرا می‌رسد و اکنون فرا رسیده است.

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا می‌باشد. این جلسه ۲۲، زندگی از دیدگاه آخرالزمان، آینده در انجیل یوحنا است.